



فصلنامه علمی ((مدیریت دفاع هوایی))
سال اول ، شماره ۲ ، زمستان ۱۴۰۱



مقاله پژوهشی

آسیب‌شناسی حوزه تربیت و آموزش در نیروهای مسلح با بهره‌گیری از بستر فن‌آوری اطلاعات

محمد مهدی^۱، سید حسن حسینی^۲، محمد غیجی^۳، بهمن محمدیان آسیاب^۴

۱- استادیار، دانشکده مدیریت و علوم نظامی، دانشگاه امام علی (ع)، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

۲- استادیار، دانشکده مدیریت و علوم نظامی، دانشگاه امام علی (ع)، تهران، ایران

۳- دکترای جغرافیا، مدرس دانشگاه امام علی (ع)، تهران، ایران

۴- دکترای شیمی، مدرس دانشگاه امام علی (ع)، تهران، ایران

چکیده

اطلاعات مقاله

آموزش در نیروهای مسلح از یک‌طرف با تربیت تخصصی مدیران و کارکنان در همه بخش‌ها نیروهای مسلح مواجه است و از طرف دیگر با رشد توانایی‌ها، نبوغ و پتانسیل فکری سبب توسعه مرزهای دانش نیز می‌گردد. امروز دیگر ساختار و فرایند سنتی آموزش جوابگوی نیازهای جوامع انسانی در عصر اینترنت نیست، چراکه از سال‌های آغازین قرن بیست و یکم هر یک سال و نیم، یک‌بار قلمرو دانش بشری بیش از دو برابر می‌شود. در این پژوهش که به روش کیفی صورت گرفته است با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و خبرگان حوزه آموزش در نیروهای مسلح و مصاحبه با آنان و استفاده از نرم‌افزار Maxqda12 عمده‌ترین چالش‌های پیش روی آموزش در نیروهای مسلح استخراج گردید که عبارت‌اند از: بازبینی و بروز رسانی محتوی آموزشی مبتنی بر نیازهای روز و جنگ‌های معاصر، ارائه آموزش‌های مبتنی بر عمل در مقابل ارائه مطالب صرفاً نظری، استفاده از وسایل کمک‌آموزشی نوین و تکنولوژی اطلاعات و بستر اینترنت در ارائه آموزش‌ها (با مدنظر قرار دادن اقدامات امنیتی)، نگاه پژوهش محور در ارائه آموزش‌ها، آموزش مهارت حل مسئله به مدیران، تأمین مالی پایدار و متناسب با تورم مراکز آموزشی نیروهای مسلح.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۳

کلمات کلیدی:

نیروهای مسلح، تربیت و آموزش، فن‌آوری اطلاعات.



نویسنده مسئول:

محمد مهدی

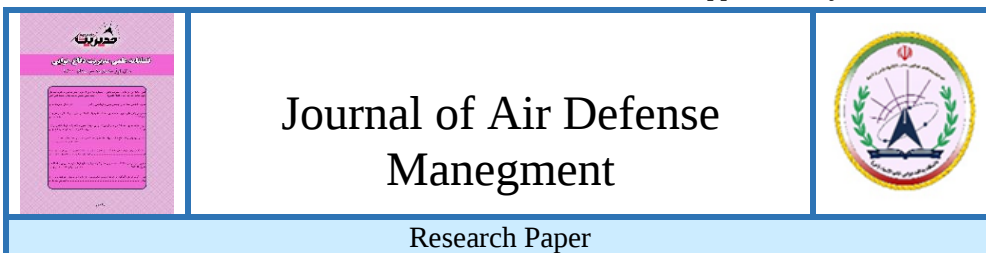
ایمیل:

ohamad.mehdi@ut.ac.ir

استناد به مقاله: محمد مهدی، سید حسن حسینی، محمد غیجی، بهمن محمدیان آسیاب (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی

حوزه تربیت و آموزش در نیروهای مسلح با بهره‌گیری از بستر فن‌آوری اطلاعات. فصلنامه علمی ((مدیریت دفاع هوایی

((سال دوم ، شماره ۲ ، زمستان ۱۴۰۱.



Pathology in the field of training and education in the Armed Forces using the context of information technology

Mohammad Mehdi¹, Seyed Hassan Hosseini², Mohammad Ghaiji³
Bahman Mohammadian Asiaber⁴

1- Assistant Professor, Faculty of Management and Military Sciences, Imam Ali University, Tehran, Iran.

2- Assistant Professor, Faculty of Management and Military Sciences, Imam Ali University, Tehran, Iran.

3- PhD in Geography and Lecturer at Imam Ali University, Tehran, Iran.

4- PhD in Chemistry and Faculty Member of Imam Ali University, Tehran, Iran.

Article Information

Accepted: 1401/09/11

Received: 1401/08/23

Keywords:

Armed Forces,
Training, Information
technology.

Abstract

Training in the Armed Forces, on the one hand, is faced with specialized training of managers and staff in all sections of the Armed Forces, and on the other hand, with the growth of abilities, genius and intellectual potential, it also expands the frontiers of knowledge. Today, the traditional structure and process of education no longer meets the needs of human societies in the age of the Internet, because since the early years of the 21st century, every year and a half, the realm of human knowledge more than doubles. In this qualitative research, by referring to library resources and experts in the field of training in the Armed Forces and interviewing them and using Maxqda 12 software, the main challenges facing training in the Armed Forces were extracted. These include: reviewing and updating educational content based on the needs of the day and contemporary wars, providing practice-based training versus purely theoretical content, using modern teaching aids and information technology, and the Internet platform in providing training (Considering security measures), a research-oriented view in providing training, training problem-solving skills to managers. Stable financing commensurate with inflation in the Armed Forces training centers.



Corresponding author:

Mohammad Mehdi

Email:

ohamad.mehdi@ut.ac.ir

HOW TO CITE: Mohammad Mehdi, Seyed Hassan Hosseini, Mohammad Ghaiji, Bahman Mohammadian Asiaber (1401). Pathology in the field of training and education in the Armed Forces using the context of information technology. Journal of Air Defense Manegment.

۱. مقدمه

این در حالی است که هم‌اکنون یکی از ریشه‌های بنیادی کم‌حرکی علمی دانشگاه‌های مادر ضعف پرورش روحیه انتقادی و تفکر خلاق، القای روحیه فردگرایی در انجام فعالیت‌های تحصیلی و روحیه مدرک‌گرایی است؛ طوری که دستگاه آموزش و پرورش کشور عمدتاً دانش‌آموزی را تحویل دانشگاه می‌دهد که باینکه خوب درس خوانده است، اما روحیه علمی و انتقادی در او خوب پرورش نیافته است و یکی از مشکلات کلاس‌های دانشگاهی ایجاد تغییر در چنین نگرش‌هایی است» (یمینی سرخابی، ۱۳۸۰: ۴۰).

از نظر کیفیت آموزش و یادگیری و قدرت خلاقیت دانشجویان هم با تأملی بر وضعیت علمی دانشجویان در دانشگاه‌ها و انگیزه بسیار ضعیف آنان در انجام رسالت‌های علمی خود که هم متأثر از عوامل درون سیستمی و هم عوامل برون سیستمی است، می‌توان ضعف کارایی داخلی آموزشی دانشگاه‌ها را در این خصوص تأیید کرد. مضافاً اینکه کارایی خارجی نارضایت‌بخش نظام آموزش عالی کشور که عمدتاً در خیل عظیم دانش‌آموختگان دانشگاهی بیکار تجسم می‌یابد، شاهد دیگری است که عدم دستیابی نظام آموزش عالی کشور را به اهداف علمی، آموزشی و پژوهشی خود مخصوصاً در حوزه علوم انسانی تأیید می‌کند. درحالی که بنا به آمار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، علوم انسانی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور، علوم انسانی از نظر شاخص‌های کمی (تعداد دانشجویان و اعضای هیئت علمی) بزرگ‌ترین بخش آموزش عالی کشور محسوب می‌گردد که بیشترین تعداد دانشجو و استاد را در خود جای داده است. موارد بیان‌شده چالش‌های پیش رو در آموزش عالی کشور را بیان می‌کند که نیروهای مسلح که بخشی از توان خود را در آموزش نیروهای خود قرار داده‌اند تا حدودی با این‌گونه چالش‌ها مواجه می‌باشند. اما نگاه به آموزش در نیروهای مسلح با آموزش عالی متفاوت می‌باشد، چراکه نیروهای مسلح خود کارکنان خود را آموزش می‌دهند. لذا بازار هدف آنان کارکنان خود بوده و اخذ بازخورد از محتوا و فرآیند آموزشی بر آنان سریع‌تر بوده و خود متولی آموزش کارکنان خود می‌باشند و چالشی که در صنعت و آموزش کشور وجود دارد که اکثراً دانش‌آموختگان با صنعت بیگانه بوده و سدی محکم بین صنعت و دانشگاه شکل داده‌اند در نیروهای مسلح وجود ندارد و از این حیث این مزیت بسیار قابل توجه در نیروهای مسلح می‌باشد.

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

رسالت‌های علمی خود که هم متأثر از عوامل درون سیستمی و هم عوامل برون سیستمی است، می‌توان ضعف کارایی داخلی آموزشی دانشگاه‌ها را در این خصوص تأیید کرد. مضافاً اینکه کارایی خارجی نارضایت‌بخش نظام آموزش عالی کشور که عمدتاً در خیل عظیم دانش‌آموختگان دانشگاهی بیکار تجسم می‌یابد، شاهد دیگری است که عدم دستیابی نظام آموزش عالی کشور را به اهداف علمی، آموزشی و پژوهشی خود مخصوصاً در حوزه علوم انسانی تأیید می‌کند. درحالی که بنا به آمار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، علوم انسانی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور، علوم انسانی از نظر شاخص‌های کمی (تعداد دانشجویان و اعضای هیئت علمی) بزرگ‌ترین بخش آموزش

عالی کشور محسوب می‌گردد که بیشترین تعداد دانشجو و استاد را در خود جای داده است. بی‌تردید در نظام دانشگاهی همه کشورها، اعتبار و اهمیتی که به علوم کاربردی، پایه، فنی و مهندسی و کشاورزی داده می‌شود به علوم انسانی داده نمی‌شود. این امر گاهی به شکل‌گیری یک وضعیت بحرانی در بخش علوم انسانی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی منجر می‌شود. البته این وضعیت متأثر از گرایش‌های کلان بین‌المللی نیز هست که از میان آن‌ها می‌توان به فناوری اطلاعات و ارتباطات، جهانی‌شدن و فراملی‌گشتن، جامعه پست‌مدرن و مبتنی بر دانایی و تغییر در الگوهای ارزشی اشاره کرد. از آنجاکه نتیجه و اثر طبیعی این گرایش‌ها در تغییر سازمان کار و نیازهای مهارتی جدید و تغییر در راهبری‌های سازمانی و تربیتی نمود می‌یابد (عزیزی، ۱۳۸۴)، بحران عدم انطباق در نظام دانشگاهی با این گرایش‌ها و آثار حاصل از آن‌ها در بخش علوم انسانی بسیار جدی‌تر است. کلارک کر (۱۹۹۴) در کتاب خود تحت عنوان عصر مشکلات در آموزش عالی آمریکا پیشنهاد می‌دهد که تحقیق عمیقی در آموزش عالی دهه ۹۰ صورت گیرد تا مشخص شود که چرا دانشگاه‌ها با مشکلات مواجه می‌شوند؟ و چرا علوم انسانی به‌طور خاص بحران بزرگ‌تری را در مقایسه با دیگر بخش‌های دانشگاهی تجربه می‌کند؟ (رشیدی، ۱۳۸۱، ۵۱).

از سوی دیگر یکی از گرایش‌های پایه و بین‌المللی از نظر کر (۱۹۹۴) تمایل دولت‌ها به هدایت و رهبری آموزش عالی بیشتر برای تحقیقات کاربردی، کاربست پژوهش‌ها و آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و پرهیز از علوم محض است. چنین گرایشی در میان دانشجویان به تقویت هر چه بیشتر عقلانیت عملی بیش از هر زمان دیگری منجر شده است. در نتیجه ثبت‌نام دانشجویان در کشورهای غربی به شدت به سوی مدارس حرفه‌ای متمایل گشته و علوم انسانی و اجتماعی تضعیف گردیده‌اند. همین‌طور این امر سبب شده است تا از فعالیت‌های علمی در حوزه‌هایی نظیر مدیریت بازرگانی، مهندسی هدایت و از علوم انسانی دور گردند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که جهت‌گیری عمل‌گرایانه و مبتنی بر منافع محسوس در جوامع غربی را ممکن است به‌عنوان یکی از علل کاهش اعتبار بخش علوم انسانی در دانشگاه‌ها و تضعیف آن در مجامع علمی معرفی کرد. درواقع در توصیف وضعیت پست‌مدرن فرانیس لیوتارد (۱۹۸۴) روشن نموده که برای دانشجوی حرفه‌ای، حکومت و یا مؤسسات آموزش عالی دیگر این سؤال مطرح نیست که حقیقت چیست، بلکه سؤال در مورد بهره‌وری و سودمندی است و اینکه دیگر مطلوب نیست که پرسیده شود آیا این درست است؟ بلکه مطلوب آن است که پرسیده شود آیا این قابل فروش است؟ یا آیا این کارآمد است؟ بنابراین وقتی کارایی و منفعت برحسب مفاهیم اقتصادی چون قابلیت فروش محاسبه می‌گردند، علوم انسانی را فقط می‌توان به‌منزله مقولاتی ناکارآمد و نامرتبط، مختص نخبگان، غیرقابل‌عمل و منسوخ دانست. لذا به‌طور کلی با تأکید بر این باور سنتی که علوم انسانی فقط ارزش‌های مشترک یک زندگی ارزشمند و مطلوب را آموزش می‌دهد، از این علوم در تقاضا برای برون‌دادهای آماده فروش غفلت شده است.

برخلاف آموزش عالی، بخش‌های نیروهای مسلح جامعه تلاش چندانی برای ایجاد یک نظام دانشگاهی متعادل و مستقل می‌کنند. تأکید بیش‌ازحد بر نقش عملی دانشگاه‌ها در تحقیقات

کاربردی و آموزش حرفه‌ای به از دست رفتن تعادل و استقلال مراکز آموزش عالی و غفلت از سایر وظایف مهم آن مراکز انجامیده است.

درک‌باک یکی از رؤسای سابق دانشگاه هاروارد (۱۹۹۰) اظهار می‌دارد که با وجودی که اهمیت موضوعات عملی در تدریس و تحقیق بسیار روشن است، اما پرسشگری عقلایی نیز در ذات خود اعتبار و اهمیت بالایی دارد. درواقع از نظر او مشارکت‌های عالمانه ضرورتاً به منافع زود هنگام و فوری آن‌ها مربوط نمی‌شود. همین‌طور باید خاطرنشان نمود که تمدن‌های بشری مرهون شاهکارهایی هستند که منتقدین اجتماعی، فلاسفه و دانشمندان حوزه‌های محض و بنیادی علم از خود به‌جای گذاشته‌اند. به‌طور خلاصه اندیشمندان اهمیت تعلیم و تربیت آزاد مخصوصاً آموزش ارزش‌ها، اخلاقیات را تأیید کرده‌اند که در بهترین وجه ممکن در رشته‌های علوم انسانی آموخته می‌شوند.

ناسباوم (۱۹۹۷) در کتابش تحت عنوان «رشد انسانیت» جهت بازسازی پایه‌های یک نظام تعلیم و تربیت آزاد و برای رشد ارزش‌های مشترک بشری و تعلیم و تربیت انسانی، بر بهره‌گیری از سنن کلاسیک جامعه تأکید می‌ورزد. آموزش آزاد از نظر او تعلیم و تربیتی است که ذهن را از خو گرفتن به عادت و رسوم آزاد می‌سازد و افرادی را تربیت می‌کند که می‌توانند با حساسیت و آگاهی به‌عنوان شهروندان جامعه بشری رفتار نمایند. از نظر او رشد و توسعه انسانیت در افراد مستلزم وجود بسترها و ظرفیت‌هایی چون:

الف) ظرفیت و توانایی ارزیابی خلاق از خود و سنن موجود؛

ب) توانایی ملاحظه خود نه فقط به‌عنوان شهروندان در یک منطقه یا محل و یا در یک گروه، بلکه به‌عنوان موجودات انسانی که با دیگر هم‌نوعان دارای روابط مبتنی بر احترام متقابل است؛
ج) توانایی تفکر انتقادی است.

از این‌رو در هنگام مواجهه با چالش‌های علوم انسانی مهم است که هدف کلی تعلیم و تربیت مخصوصاً در آموزش عالی که مبتنی بر تربیت نمودن ذهن و عقل است و نه آموزش حرفه‌ای او برای یک شغل بازبینی شود. تعلیم و تربیت از این نظر یک ارزش اساسی انسانی است و نه یک کالا و با تأکید بر ارزش‌های انسانی موردنیاز افراد برای زندگی است که ما می‌توانیم به‌طور موفقیت‌آمیزی با چالش‌ها مقابله کنیم. با تمام این اوصاف در نظام آموزشی بسیاری از کشورها و تحت فشار تمایلات منفعت‌جویانه و فناوریانه در جامعه و با گسترش سیطره تجارت‌گرایی مخصوصاً در دهه ۹۰ به بعد، علوم انسانی در فشار و تنگنا قرار گرفته است. این فشارها و تنگناها سبب شده است که علوم انسانی در نظام دانشگاهی جایگاه درخوری نداشته باشد (کدیور، ۱۳۸۲).

نظام آموزش عالی نوین ایران در دوران یک‌صد و پنجاه ساله عمر خود از فرازها و فرودهای مختلف عبور نموده است همواره با روندی افزایشی آشکارا به سمت تمرکزگرایی مفرط سیر نموده است. نتایج تحقیق مؤده وزیری (۱۳۷۸) در تحلیل دیدگاه مسئولان شورای عالی برنامه‌ریزی، استادان و دانشجویان در مورد وضعیت موجود و وضعیت مطلوب برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی نشان می‌دهد که استادان و دانشجویان شش گروه عمده آموزشی (پزشکی، علوم انسانی، علوم پایه، فنی و

مهندسی، کشاورزی و دامپزشکی و هنر) برنامه‌های درسی گروه خود را از نظر هماهنگی با پیشرفت‌های علمی و هدف‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و توجه به کیفیت نهایی برون‌دادهای آموزش عالی، و توانایی برنامه‌ریزی درسی مناسب تشخیص نداده و اصلاح وضعیت آن را در پرهیز از تمرکزگرایی کنونی اعلام داشته و پیشنهاد نموده‌اند تا با افزایش ضریب مشارکت استادان و حتی دانشجویان در کنار شورای عالی برنامه‌ریزی، دانشگاه‌ها توان پاسخگویی بیشتری به نیازهای جامعه در حال توسعه بیابند. در این باره نیز محتوای رشته‌های دانشگاهی و مراکز آموزش عالی کشور نشان از این واقعیت دارد که همراهی نظام‌دار و هم‌افزا با توسعه روزآمد ندارد.

آموزش عالی در ایران با یک رشد سرسام‌آوری روبرو بوده است، یعنی تعداد دانشجویان ما نسبت به قبل از انقلاب ۱۰ برابر شده است، در حالی که امکانات آموزشی ما متناسب با آن افزایش پیدا نکرده است، ماحصل طبیعی چنین رویه‌ای، کاهش کیفیت در مراکز آموزش عالی را به همراه داشته است (دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۲). در برنامه سوم عمرانی کشور هم قرار شده بود که دیگر به بخش کمی توجه نشود و بیشتر به بخش کیفی عنایت شود. به عبارت بهتر هدف ایجاد هماهنگی بیشتر بین توسعه آموزش عالی و توسعه ملی، تنوع‌بخشی به نظام آموزش عالی، بازنگری برنامه‌های درسی، توسعه دانش سازمان‌یافته، توسعه همکاری‌های بین‌المللی، رشد استعدادهای درخشان، گسترش دسترسی به شبکه‌های اطلاعاتی، بهبود نظام‌های ارزشیابی، متعادل نمودن تدریس و تحقیق در دانشگاه‌ها، متنوع ساختن منابع مالی دانشگاه‌ها و افزایش بودجه پژوهشی، تشویق ایجاد سازمان‌ها و انجمن‌های دانشجویی در زمینه‌های صنفی، علمی و فرهنگی، توسعه تحصیلات تکمیلی و دوره‌های علمی و کاربردی، گسترش حضور بانوان در دانشگاه‌ها و توسعه آموزش مجازی بود. با نگاهی به شواهد و سوابق، عدم توفیق دستگاه علمی کشور را در نیل به بخش عمده‌ای از اهداف برنامه سوم توسعه می‌توان نتیجه‌گیری نمود.

لحاظ نکردن ضوابط مشخص و قابل قبول برای ورود به دانشگاه و عدم رعایت استانداردهای علمی در پذیرش دانشجویان که در ترکیب ناهماهنگ دانشجویان تجلی می‌یابد و عدم اعمال معیارهای علمی و ضوابط تدریس و پژوهش (کدیور، ۱۳۸۲)، سبب تنزل سطح کیفیت آموزش گردیده است. از طرف دیگر اشتغالات بیش از حد اساتید (تدریس یا مشاغل دیگر) آنان را از مطالعه و به‌روز بودن علمی دور ساخته و به فرهنگ علمی دانشگاه‌ها آسیب رسانده است. همچنین باید خاطر نشان کرد که سرعت تغییرات در حوزه‌های مختلف اقتصادی، صنعتی و خدماتی (به‌طور کلی ماهیت مشاغل در اوضاع حاضر) از یک سو و تغییرپذیری بسیار کم محتوا و سرفصل‌های دروس دانشگاهی در دانشگاه‌های ما از سوی دیگر زمینه افت کیفیت قابلیت‌های علمی و مهارتی را در دانش‌آموختگان دانشگاهی ما مضاعف نموده است (عزیزی، ۱۳۸۳). از این رو همان‌گونه که نتایج تحقیقات سارا پاکاریان (۱۳۶۹) نشان می‌دهد از طریق اصلاح و بهبود ابعاد گزینش استاد و دانشجو، فراهم کردن زمینه رشد توسعه حرفه‌ای و توجه به رضایت خاطر استادان و دانشجویان، ارزشیابی از عملکرد استادان و دانشجویان، بهبود مدیریت دانشگاهی، بهبود در وضعیت کمی و کیفی برنامه‌های درسی و کتابخانه‌های دانشگاهی می‌توان کیفیت آموزش را افزایش داد.

پس از همه‌گیری ویروس کووید ۱۹ در اسفند سال ۱۳۹۸ و اقدام دولت مبنی بر تعطیلی آموزش حضوری در دانشگاه‌ها، آموزش عالی در کشور با پدیده جدیدی به نام آموزش و حتی پژوهش مجازی روبرو شده که پیش‌ازین، چندان با جدیت به آن نپرداخته است.

مدت زمانی نیست که صحبت از آموزش الکترونیک یا به تعبیری آموزش بر مبنای رایانه در کشورمان مطرح شده است. آنچه که همواره مورد پرسش مسئولان و صاحب‌نظران مسائل آموزشی و مدیریتی کشور بوده است، چگونگی راه‌اندازی این نوع آموزش در نظام آموزش عالی، صنایع و سازمان‌های مربوط است، زیرا نتایج حاصل از مقایسه آموزش‌های الکترونیک با شیوه‌های سنتی آموزش که منحصر به کلاس درس، ابزارهای ابتدایی آموزش و شیوه معلم محور است نشان می‌دهد که مزیت‌ها و قابلیت‌های آموزش بر مبنای رایانه‌ها و اینترنت بسیار کارا، علمی، سریع و کم‌هزینه‌تر می‌باشد. همین نتایج، اکثر جوامع را تشویق به راه‌اندازی مدارس و دانشگاه‌های اینترنتی و نیز سازمان‌های مجازی کرده است تا سازمان‌ها و مراکز علمی آن‌ها به‌صورت ONLINE در شبکه‌ای گسترده به امر آموزش از راه دور بپردازند (صبوری، ۱۳۸۱).

تحقیقاتی که در زمینه آموزش‌های الکترونیک انجام شده است، نشان می‌دهد که آغاز این شیوه جدید آموزشی به سال‌های دهه ۱۹۷۰ میلادی باز می‌گردد. ورود رایانه‌های شخصی طی آن دهه به بازارها و گسترش بسیار سریع استفاده از آن‌ها بر توسعه این تحقیقات افزوده است. اما توسعه واقعی روش آموزش الکترونیک از دهه ۱۹۹۰ به بعد همزمان با جهانی‌شدن شبکه اینترنت رخ داده است.

امروز دیگر ساختار و فرایند سنتی آموزش جوابگوی نیازهای جوامع انسانی در عصر اینترنت نیست چراکه از سال‌های آغازین قرن بیست و یکم، هر یک سال و نیم، یک‌بار قلمرو دانش بشری بیش از دو برابر می‌شود تا آنجا که تغییرات علمی، فرم‌های سریع و ناپیوسته قرن گذشته را پشت سر می‌گذارد و جهش گونه رخ می‌دهند. در چنین شرایطی است که افراد جامعه برای هماهنگی با تغییرات دائمی و شتابان پیرامون خود به آموزش‌های مدرن نیاز فزاینده‌ای پیدا می‌کنند.

۴. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

تغییراتی که مستمراً در جامعه رخ می‌دهد تمامی ابعاد زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده که آموزش نیز مصون از این تغییرات نبوده است. پیشرفت در فناوری‌های ارتباطی و افزایش افراد متقاضی آموزش، آموزش را وادار به تغییر نموده است. آموزش از راه دور به‌عنوان راه‌حلی برای این چالش‌ها در قرن نوزدهم به وجود آمد و مسیری تکاملی را طی کرده است. آموزش از راه دور نوعی روش ارتباطی با استفاده از رسانه به‌منظور یادگیری سیستماتیک است که در آن فراگیر و آموزشگر در مسافتی دور از یکدیگر قرار دارند. خصوصیت عمده آموزش از راه دور گفتگویی آموزشی است که نشانگر ارتباط دوطرفه و پیوسته بین فراگیر و آموزشگر است. نظام آموزش از راه دور همانند دیگر نظام‌های آموزشی دارای اجزایی است. اجزای اصلی این نظام با توجه به ویژگی‌های خاص خود شامل:

- کارکنان آموزشی، که آموزشگر رکن اصلی آن است.

- موسسه آموزشی که می‌تواند به‌صورت مستقل یا مرکب باشد.
- رسانه و مواد آموزشی است که به‌صورت ساده و ترکیبی وجود دارد. این رسانه‌ها در انواع انسانی، چاپی و الکترونیک می‌باشد.

امروز اعتقاد بر این است که تغییرات خود نیز در حال تغییر می‌باشند. تغییرات کنونی به‌قدری سریع به وقوع می‌پیوندند که آنچه را که در گذشته هنجار به نظر می‌رسید نابود و جریانی از فرصت‌های جدید به وجود می‌آورند آموزش نیز مصون از اثرات تغییر نیست. توسعه و استفاده از فناوری‌های ارتباطی در سیستم‌های آموزشی سازه‌ای برای تغییر در آموزش هستند که موجب تسهیل ارائه و دریافت برنامه‌های آموزشی در فواصل مکانی شده‌اند.

تغییر ساختار سازمان‌ها

ضرورت بهسازی و توسعه نیروی انسانی از طریق مشارکت کارکنان در بهبود کیفیت و افزایش بازده در سازمان‌ها از یک طرف و گذر از قرن بیستم و ظهور تکنولوژی اطلاعات و ره‌آوردهای آن از جمله مرزگستری سازمان‌ها از طرف دیگر، منجر به توسعه و گسترش واژه‌های مجازی مانند سازمان مجازی، آموزش از راه دور و غیره شده است که نگرشی جدید بر نقش آموزش در بهبود کیفیت در سازمان‌ها محسوب می‌شود. با توجه به ضرورت بهبود کیفیت در سازمان از طریق توسعه‌سازمانی، تغییر ساختار سازمان‌ها به سمت مجازی شدن، گسترش مشاغل و پیچیدگی امور، لزوم دسترسی به نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای مربوط به تکنولوژی اطلاعات و روش‌های جدید آن و تأثیر آن در فرآیند بهبود کیفیت و افزایش بازده، پذیرش آموزش‌های مجازی را غیرقابل‌اجتناب کرده است. عمده‌ترین ابزار برای دستیابی به این هدف از طریق آموزش جدید به‌ویژه چگونگی استقرار، آموزش‌های ON LINE می‌باشد. مؤسسات آموزش از راه دور در هر کشوری بنا بر مقتضیات آموزشی خاص آن کشورها تأسیس شده‌اند. مثلاً گستردگی خاک و پراکندگی جمعیت در استرالیا و کانادا مهم‌ترین سازه‌پیدایش و رواج نظام آموزش از راه دور در این کشورها است. در چین و هندوستان، تراکم جمعیت و عدم تکافوی ظرفیت مؤسسات آموزشی موجود و محدودیت بودجه آموزش و در آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان، ژاپن مسئله آموزش بزرگسالان و تداوم آموزش آنان جهت آشنایی با علوم و مهارت‌های جدید از جمله سازه‌های مهم تأسیس این‌گونه مؤسسات آموزش از راه دور است. در پاکستان و ایران کثرت داوطلبان تحصیل در دانشگاه‌ها، نیاز به تربیت کادر آموزشی مدارس و ایجاد فرصت ادامه تحصیل برای کارمندان و در اغلب کشورهای آفریقایی نارسایی مؤسسات آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی و تنگنای اقتصادی سبب شده است تا آموزش از راه دور به‌عنوان یک نظام کم‌هزینه، تا حدی جایگزین نظام آموزشی سنتی گردد. اهداف آموزشی از راه دور عبارت‌اند از:

۱. ایجاد فرصت برای فراگیری که فرصت تحصیل را از دست داده‌اند.
۲. تقویت نیروی انسانی کارآمد از لحاظ علمی و فنی.
۳. بهبود کیفیت آموزش (آموزش مرتبط با نیازهای کشور و آموزش مستمر برای شاغلین).
۴. ایجاد فرصت‌های آموزشی برای کارکنان.

نگرشی نو بر نقش فناوری در بهسازی سازمان

ظهور قرن فناوری اطلاعات و ره‌آوردهای آن (ابزارهای ارتباطی مؤثر از جمله اینترنت، اینترنت، تلفن همراه، کامپیوترهای پرتابل و غیره) تغییرات سریع در ساختار سازمانی صنایع از جمله مرزگستری و انجام امور در خارج از مکان و زمان را در بر داشته است. این پدیده مزایای زیادی از جمله کاهش هزینه، افزایش کارایی، افزایش سوددهی و تسهیل در برقراری ارتباط را شامل می‌شود. «دانشگاه و صنعت مجازی» نیز از پدیده‌های نوظهور است که به‌طور چشمگیری در جهان گسترش یافته و بروز آن در کشور ما نیز اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. ازجمله مباحث مرتبط با امور مجازی می‌توان به سازمان‌های مجازی اشاره کرد. انواع سازمان‌های مجازی مانند تیم‌های مجازی و کار مجازی دو شیوه رایج ره‌آورد قرن تکنولوژی اطلاعات است (زمانی، ۱۳۷۷). در تیم‌های مجازی معمولاً ارتباط اعضا با یکدیگر با استفاده از سیستم‌های الکترونیک انجام می‌پذیرد و اعضا ممکن است هرگز یکدیگر را ملاقات نکنند. تیم‌های مجازی باعث صرفه‌جویی در زمان، هزینه‌های مسافرت و حذف مشکل دستیابی به متخصصین شوند و به‌سرعت شکل گرفته و به انجام امور بپردازند و امکان دسترسی به بازار را فراهم می‌آورند در کار مجازی که دور از دفتر مرکزی و یا تأسیسات تولیدی انجام می‌گیرد، کارکنان تماس واقعی با همکاران را ندارند ولی با استفاده از ابزارهای الکترونیک به‌سادگی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. روش‌های «مهمانخانه‌ای»، «میز مشترک» و «مراکز کار مجازی» از انواع متداول این روش می‌باشند

نقاط قوت آموزش و پژوهش غیر حضوری

یکی از مهم‌ترین نقاط قوت آموزش و پژوهش مجازی امکان انتخاب انواع گزینه‌ها برای دانشجویان است. مشکلات مربوطه به فاصله جغرافیایی، مسئولیت خانواده و ساعت کار برطرف می‌شوند، دانشجویان قادر خواهد بود از خانه، محل کار، خوابگاه و یا حتی هتل محل اقامت، آموزش‌ها را دریافت کنند و در هر زمان، هر مکان و هر جایی قادر به آموزش دیدن و انجام پژوهش باشند. این فرض زمانی درست است که بسترهای لازم فراهم و قابل دسترسی مجدد باشند. دوره‌های برخط به دانشجویان اجازه می‌دهد در هر ساعت از شبانه‌روز برای ارسال پیام‌های الکترونیکی وارد سامانه شوند، نظرهای خود را به ادامه بحث‌ها اضافه کنند، کوئیزها را جواب دهند، نتایج پژوهش‌های خود را با استاد مشورت نمایند یا یادداشت‌های استاد را بخوانند (فیضی، ۱۳۸۲). بر این اساس برجسته‌ترین نقاط قوت آموزش و پژوهش مجازی عبارت‌اند از:

- کاهش هزینه‌های جاری دانشگاه
- نداشتن محدودیت مکانی و زمان و کاهش هزینه‌های تردد در آموزش و پژوهش
- محدود نبودن ظرفیت پذیرش
- هدایت مدیران، کارشناسان، دانشجویان و اساتید به سمت استفاده از فناوری‌های نوین در آموزش و پژوهش
- افزایش مشارکت دانشجویان و ایجاد سینرژی آموزشی از طریق ترغیب دانشجویان به نوشتن به‌جای

صحبت

• حذف عوامل تبعیض آمیز در کلاس های حضوری مانند سن، پوشش، ظاهر، ناتوانی جسمی، جنسیت و غیره

- تقویت قابلیت نسبی یادگیری مستقل و مطالعه فردی
- تقویت قابلیت نسبی یادگیری مستقل و مطالعه فردی
- حذف محدودیت های تحمیلی تعطیلی مراکز آموزشی و پژوهشی در دوره های خاص
- افزایش بهداشت اجتماعی
- حذف معضل های اجتماعی و فرهنگی در سکونت خوابگاهی

نقاط ضعف آموزش و پژوهش غیر حضوری

در کنار نقاط قوت آموزش و پژوهش مجازی، برخی نارسایی ها در پوشش اهداف آموزشی و پژوهشی اثرگذار خواهد بود. این نارسایی ها گاهی فراتر از فراگیری، سبب کاهش عکس العمل های انگیزشی در دانشجویان می شود. عواملی نظیر نیاز به سیستم و شبکه داده پرسرعت برای دریافت آموزش ها و پژوهش های مجازی، اظهار ناامیدی برخی دانشجویان از یادگیری فن آوری های رایانه ای، مقاومت برخی گروه های آموزشی و پژوهشی و اساتید در برابر آموزش و پژوهش مجازی و همچنین فشار ناشی از افزایش بار مطالعه و فعالیت فردی، باعث دلسرد شدن دانشجویان نسبت به آموزش فضای مجازی و به تبع افت تحصیلی می شود در ادامه مهم ترین نقاط ضعف به تفکیک برنامه های آموزشی، پژوهشی و سنجش اثر آن ها ارائه شده است (قورچیان، ۱۳۸۲).

نقاط ضعف در برنامه های آموزشی

- ضعف در رصد حضور مستمر و مؤثر دانشجویان در حین برگزاری کلاس مجازی
- ضعف در تدریس واحدهای محاسباتی و عملیاتی
- ضعف در امکان برخورداری از آموزش مجازی برای واحدهای درسی مختلف
- ضعف در امکان برخورداری از آموزش مجازی برای مقاطع تحصیلی مختلف
- افزایش هزینه برای ایجاد بستر کافی و کارآمد جهت تأمین تجهیزات آموزش مجازی برای اساتید
- صرف زمان زیاد به منظور تهیه قالب های خاص برای تهیه مواد آموزشی توسط اساتید
- وابستگی بیش از حد آموزش اینترنتی به فناوری روز
- دشواری در تطبیق، سازمان دهی و جلب مشارکت برخی افراد، با روش آموزش الکترونیک
- ایزوله شدن برخی از دانشجویان در آموزش اینترنتی به دلیل کاهش تعامل آموزشی با سایرین
- ضعف در تأمین دسترسی به شبکه برای دانشجویان ساکن مناطق غیر متصل به شبکه در کشور
- ضعف زیرساخت شبکه اینترنت کشور، در مقایسه با کشورهای پیشرفته تر
- عدم آمادگی کامل سخت افزاری و نرم افزاری دانشگاه ها جهت مجازی شدن کلیه فعالیت ها

نقاط ضعف در برنامه های پژوهشی

- عدم امکان بازدیدهای علمی
- توقف پروژه های پژوهشی کارگاهی (ساخت و تجهیز)
- توقف پروژه های آزمایشگاهی
- اختلال در پیشبرد برنامه های پژوهشی دانشجویان (رساله پایان نامه) بر اساس زمان بندی آموزشی
- عدم امکان به روز رسانی و نگهداشت مواد مصرفی آزمایشی و اتلاف مواد و هزینه

- محدودیت در امکان مراجعه به دستگاه‌ها جهت برداشت میدانی اطلاعات
- حذف بخشی از درآمدهای پژوهشی اساتید و دانشگاه‌ها
- عدم آمادگی و ضعف آموزش پژوهش‌گران در پژوهش‌های مجازی

نقاط ضعف در برنامه‌های سنجش اثربخشی

- ضعف در بازخورد اثربخشی از سوی دانشجویان در کلاس‌های مجازی
- ضعف در امکان آموزش چهره به چهره در کلاس‌های پرجمعیت
- فقدان برنامه جامع و کارآمد جهت برگزاری آزمون
- عدم امکان استفاده از روش‌های مرسوم در بازبینی فرایندهای اثربخشی

تهدیدهای آموزش و پژوهش غیرحضوری

در کنار فرصت‌هایی که آموزش مجازی برای دانشجویان و اساتید فراهم می‌سازد، تهدیدهایی نیز در کمین نظام آموزش و پژوهش مجازی قرار دارد. نتایج حاصل از تغییر شیوه عملکرد آموزشی و پژوهشی از فضای حضوری به غیرحضوری نشان داده است که در مقایسه با آموزش و پژوهش حضوری، کیفیت آموزش و پژوهش مجازی به‌ویژه در رشته‌های مهندسی پایین است. در آموزش و پژوهش مجازی، استاد نمی‌تواند از دانشجو و همکاران دیگر بازخورد لازم را دریافت کند و با آن‌ها در تعامل واقعی باشد. برخی از دروس نظری رشته‌های مهندسی نیز نیاز به بازدید از آزمایشگاه، استفاده از وسایل آزمایشگاهی و یا بازدید از سایر مکان‌ها دارند که در آموزش مجازی ممکن نیست. مدرس نمی‌تواند به‌درستی رصد کند که آیا دانشجو در فضای کلاس هست یا نیست، به مطالب توجه کافی دارد یا خیر. این موضوع به‌ویژه در دروس نظری نوع پایه و تخصصی مثل ریاضی مهندسی و شبیه آن که ماهیت تحلیلی دارد، بسیار مهم است. لذا مهم‌ترین تهدیدهای آموزش و پژوهش الکترونیک را می‌توان به شرح ذیل عنوان کرد (سرشت، ۱۳۸۲).

- تهدید تغییر ماهیت دانشگاه به‌عنوان مرجع اصلی آموزش و پژوهش کشور در صورت استمرار آموزش مجازی
- افت تحصیلی و مهارتی دانشجویان به‌واسطه آسیب‌پذیری تدریس و یادگیری دروس محاسباتی و عملیاتی
- آزمایشگاهی و کارگاهی و آسیب‌پذیری برنامه‌های پژوهشی به‌واسطه محدودیت ارتباط و تعامل معمول بین
- دانشجو، استاد راهنما و فضای پژوهشی تجربی
- کاهش کمی و کیفی پروژه‌های پژوهش محور
- کاهش رتبه آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها
- امکان توقف در پیشبرد برنامه‌های آموزش جاری در صورت قطع برق و یا خارج شدن از شبکه و یا عدم دسترسی به حداقل تجهیزات موردنیاز از سوی دانشجویان
- کاهش انگیزه ادامه تحصیل در دانشجویان فاقد تجهیزات موردنیاز
- کاهش تأثیر دانشگاه در رشد شخصیت علمی و فرهنگی دانشجویان به‌واسطه دوری از محیط دانشگاه
- کاهش تأثیر دانشگاه‌ها در فضای پژوهشی کشور

در این میان نباید از آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی ناشی از تداوم آموزش غیرحضوری غافل ماند. بدیهی است فاصله فیزیکی از فضای رسمی دانشگاهی و ضعف در تبادل ارتباط با سایر دانشجویان و اساتید در محیط‌های رسمی و دانشجویی ضمن تهدید نحوه شکل‌گیری مؤثر شخصیت آکادمیک دانشجویان، موجب ایجاد خلل در پرورش بعد اجتماعی و تقویت ارتباط مؤثر فرد با محیط و اجتماع دانشگاهی شده و بر روابط آینده وی اثرگذار خواهد شد. در کنار تهدید از دست رفتن تعامل اجتماعی دانشجویان به سبک کلاس‌های حضوری، موضوع کاهش شدید درآمد برای مشاغل به‌طور کامل وابسته به آموزش‌های حضوری نظیر انتشارات دانشگاه، بسیار حائز اهمیت است.

آموزش مجازی در نظام آموزش عالی ایران

تاکنون به پژوهش در شیوه‌های مدرن آموزش و اجرای آن‌ها در ایران توجه بایسته نشده است. به‌عنوان نمونه، دانشگاه آزاد سابق، دست به الگوبرداری محض از یکی از دانشگاه‌های انگلستان (O.U.) زد، بدون آنکه به بسترهای متفاوت جغرافیایی و اجتماعی دو کشور توجه لازم نماید. فعالیت‌های این دانشگاه چند سال پس از تأسیس آن با ادغام در مجتمع ادبیات و علوم انسانی (سال ۱۳۵۹) و بعداً در دانشگاه علامه طباطبائی تقریباً متوقف شد. دانشگاه پیام نور از سال ۱۳۶۶ فعالیت‌های خود را با هدف نزدیک شدن به آموزش از راه دور ولی در عمل آموزش نیمه‌حضوری آغاز کرد. این دانشگاه با وجود موفقیت نسبی در گسترش جغرافیایی آموزش و پاسخگویی به بخش قابل توجهی از متقاضیان تحصیلات دانشگاهی، هنوز با روش‌های مدرن آموزش فاصله بسیار دارد.

مؤسسات اینترنتی و تنگناهای پیش رو

به نظر می‌رسد که نه تنها مؤسسات فعال در شبکه اینترنتی کشورمان، بلکه کل شبکه از مشکلات عمیقی رنج می‌برد. اگرچه این مشکلات به مرور در حال رفع هستند اما این روند بسیار کند است. ازجمله این مشکلات می‌توان به پایین بودن سرعت اینترنت و نبود سرویس‌دهی مناسب به‌صورت ISP اشاره کرد.

آقای مهندس منصور کاشی‌ها مدیرعامل موسسه آموزشی رایان کاشی‌ها ضمن تأکید بر تنگناهای موجود در شبکه اینترنتی کشورمان در این باره معتقد است، وقتی وارد کار آموزش از طریق اینترنت شدیم، به تحقیق درباره علت پایین بودن سرعت کاربری اینترنت در شبکه پرداختیم و متوجه شدیم که تمام کاربران ما از سیستم با روش «دایال آپ (DIAL UP)» استفاده می‌کنند و هنوز سیستم‌هایی چون DSL، ADSL آن‌طور که باید مرسوم نیست. می‌دانید که این سیستم‌ها دارای سرعت بسیار بالا هستند طوری که می‌توان DATA را از طریق باند باز خطوط تلفن انتقال داد.

راهکارهای اولیه جبران نارسایی‌ها در پیشبرد اهداف آموزش و پژوهش غیرحضوری

در گزارش اول، راه‌کارهای اولیه و در دسترس تر مورد کنکاش قرار گرفته است. این راه‌کارهای اولیه در ارتقای زیرساخت‌ها، تدوین دستورالعمل‌های جدید و متناسب با وضعیت موجود، تأمین اعتبار، اصلاح تقویم آموزشی و تقویت ارتباط دسته‌بندی شده‌اند.

- تأمین تجهیزات و ارتقای زیرساخت آموزش و پژوهش غیرمجازی برای اعضای

هیئت علمی

به منظور جبران برخی کمبودها و ارتباط بهتر استاد با دانشجویان لازم است تا تجهیزاتی چون قلم نوری در اختیار تمامی اساتید (به ویژه زمانی که در خارج از دانشگاه در حال ارائه درس هستند) قرار گیرد. اعطای اینترنت پرسرعت به اساتید و تسهیلات تجهیز زیرساخت آموزش برخط به دانشجویان تضمین می‌کند که ارتباط استاد با دانشجویان به طور دائم به صورت چهره به چهره قابل برقراری است. بنابراین تأمین زیرساخت‌های لازم برای ارتقاء سطح کیفی آموزش‌ها و پژوهش‌های الکترونیک، می‌تواند تا حد قابل توجهی در جبران نقاط ضعف این شیوه اثرگذار باشد (رشیدی، ۱۳۸۱).

- **تدوین دستورالعمل‌های آموزشی و پژوهشی اختصاصی برای اساتید و دانشجویان**
برای اساتید و دانشجویانی که با محیط مجازی و برخط آشنایی کافی ندارند، استفاده از راهنماها و سامانه‌های پشتیبانی ضروری است. لازم است تا این راهنماها از قبل تهیه و در اختیار اساتید و دانشجویان قرار گیرد.

- **تأمین اعتبار دانشجویی جهت دسترسی به شبکه برای کلیه دانشجویان**
ممکن است برخی از دانشجویان به اینترنت پرسرعت و یا رایانه مجهز برای حضور در کلاس برخط دسترسی نداشته باشند. اصول آموزش رایگان کشور ایجاب می‌کند تا تسهیلاتی چون اعتبار ویژه دانشجویی برای تأمین موارد ذکر شده در اختیار این دسته دانشجویان قرار گیرد. معاونت دانشجویی می‌تواند متولی شناسایی دانشجویان متقاضی و واجد شرایط برای این تسهیلات باشد.

- **اصلاح تقویم آموزشی ارائه واحدهای درسی با اولویت واحدهای تئوری**
در شرایط فعلی که زمان بازگشت دانشجویان به دانشگاه‌ها نامشخص است می‌بایست تقویم آموزشی دانشگاه با هدف القای کمترین ریسک در کیفیت آموزش و پژوهش برخط، اصلاح و به‌روزرسانی شود.

- **تقویت ارتباط مستمر با دانشجویان جهت مشاوره آموزشی، پژوهشی و خانواده**
شرایط جدید آموزشی و پژوهشی برای دانشجویان و لحاظ چالش‌های پیش روی آن‌ها در شرایط آموزش مجازی، می‌بایست به عنوان یک رکن اصلی در برنامه‌های اجرایی مورد توجه قرار گیرد. این امر از طریق سامانه‌های مجازی قابل انجام است و مهارت‌های استاد در ایجاد تعامل سازنده با دانشجویان وجود چنین سازوکاری را تضمین می‌کند. همچنین برقراری سامانه‌های مشاوره و خطوط مخصوص جهت پایش مشکل برخی دانشجویان به منظور حمایت و پیشگیری از افت تحصیلی بسیار حائز اهمیت است.

راه‌های اصلاح و بهبود کیفیت و برون‌رفت از وضعیت فعلی

به طور خلاصه مقایسه نظرگاه دانشجویان در دوره تحصیلات تکمیلی با دانشجویان دوره‌های کارشناسی مبین نوعی همگرایی در خصوص وضعیت علوم انسانی در دانشگاه‌ها، مسائل آن و رویکردهای تغییر و اصلاح آن است. نتیجه اینکه اگر بنا را بر شناسایی اشکالات موجود در علوم انسانی و ریشه‌یابی آن‌ها و ارائه طریق مناسب جهت اصلاح و ارتقاء وضعیت آن گذاشته‌ایم، مذاقه در پیشنهادهاى مطرح شده به دست دانشجویان و بازکاوی زمینه اجرا و توجه به آن‌ها در

سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی می‌تواند به سهم خود کارگشا باشد. نظرات دانشجویان مبین این امر است که نارسایی‌هایی که اعتبار و کیفیت تحصیلات دانشگاهی را در حوزه علوم انسانی تحت‌الشعاع خود قرار داده است، می‌توان با کاربست رهیافت‌های ذیل اصلاح نمود و زمینه ارتقا آن را فراهم کرد:

- افزایش ارزش اجتماعی رشته‌های علوم انسانی. برای اصلاح نواقص موجود باید اساساً از ریشه و خیلی زودتر از دانشگاه شروع کرد. برای تغییر طرز نگرش و تفکر جامعه، اولیا و دانشجویان نسبت به جایگاه واقعی این رشته‌ها می‌توان با استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی مثل (تلویزیون و روزنامه و غیره) و معرفی رشته‌های علوم انسانی و ایجاد شغل و زمینه کار برای فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها به بهبود جایگاه و منزلت اجتماعی علوم انسانی امیدوار بود.

- از بین بردن محدودیت‌های علمی و تدارک فرصت‌های علمی با کیفیت بالا. اصلاح نظام مدیریت و استفاده از مدیرانی که حتی‌المقدور با مبانی علمی علوم انسانی آشنایی داشته و از اهمیت و نقش آن آگاه هستند.

- تدوین یک بانک اطلاعاتی درباره ماهیت، کارکرد و اهمیت رشته‌های علوم انسانی و ارائه توضیح کافی در مورد تک‌تک رشته‌ها و زمینه‌سازی آشنایی افراد با آن‌ها در عمل.

- ارزیابی مستمر و علمی کارایی درونی و بیرونی این دوره‌ها و تعیین نقاط قوت و ضعف دوره‌های تحصیلی علوم انسانی.

- بهره‌گیری از اساتید باسواد، دوراندیش و مجرب و پذیرش استادان جدید که انگیزه لازم را برای تدریس و کار با دانشجویان دارند.

- تخصیص منابع بیشتر (مالی - اعتباری) برای بازسازی و توسعه فضاهای آموزشی و امکانات لازم در مؤسسات آموزش عالی.

- به کار بردن معیارهای علمی در گزینش دانشجو مخصوصاً برای پذیرش دانشجویان در دوره‌های تحصیلات تکمیلی برای جلوگیری از حضور کسانی که بار علمی ندارند. درواقع امتحانات فعلی مخصوصاً در کارشناسی ارشد نمی‌تواند ملاک و معیار مطمئنی برای تعیین صلاحیت‌های علمی موردنیاز باشد. با توجه به اینکه این روزها بحث تقلب و فروختن سؤالات آزمون‌ها به یک معضل عمده آموزشی مبدل شده است.

- طراحی مجدد رشته‌های علوم انسانی و جنبه‌های کاربردی بخشیدن به برنامه‌های درسی و تطبیق آن با نیازهای جامعه و نسل جوان آن با تأکید بر برنامه‌ریزی بین‌رشته‌ای.

افزایش انگیزه دانشجویان و کمک به آن‌ها در کسب مهارت‌های یادگیری مستقل که می‌تواند تحرک علمی آنان را به همراه داشته باشد.

- افزایش سطح علمی رشته‌ها و ایجاد رشته‌هایی در دانشگاه‌ها که جواب گوی نیازهای روز باشد.

- در سرفصل‌ها و عناوین و محتوای دروس تجدیدنظر اساسی صورت گیرد و برنامه‌های این دوره‌ها به‌ویژه در دوره دکتری کاملاً تخصصی باشد، طوری که از تعداد دروس و تنوع آن کاسته شود.

روی بهبود وضعیت موجود و رفع تنگناهای نظام آموزش عالی عموماً و در حوزه علوم انسانی به‌طور

خاص ایجاد تغییرات اساسی در بسیاری از رویکردهای اداری، اجرایی، آموزشی و پژوهشی اجتناب‌ناپذیر خواهد بود؛ چراکه اصولاً طرح انتظارات جدید و توقع برآورده شدن آن‌ها از ساختاری که ناکارآمدی آن قبلاً به اثبات رسیده، خیلی معقول به نظر نمی‌رسد. از این‌رو همگام با انجام پاره‌ای از اصلاحات مؤثر در سطح مؤسسه‌ای بسیار ضروری به نظر می‌رسد که در سطح کلان مدیریت و سیاست‌گذاری نظام آموزش عالی کشور تبیین دقیق جایگاه و نقش و مأموریت‌های آموزش عالی در توسعه جامعه ارتقاء هدفمندی نظام مذکور برای پاسخگویی به نیازها، آسیب‌شناسی و بررسی چالش‌ها و فرصت‌های و مطالعه و تبیین ضعف‌ها و قوت‌های نظام آموزش عالی مهندسی مجدد نظام پذیرش دانشجو و برنامه‌ریزی درسی و تحلیل نقش دانشگاه‌ها در تأمین نیازهای مهارتی بخش‌های اقتصادی همراه بررسی و تبیین راهبردهای ایجاد و بسترسازی اشتغال دانش‌آموختگان مراکز آموزش عالی کشور به‌دقت انجام گردد. از نظر آموزشی نیز اهداف رشته‌های علوم انسانی باید با وضوح بیان شوند به‌نحوی که بازتابی از اهمیت یادگیری در این حوزه باشند، بر آموزش روش‌هایی که به شناسایی ارتباطات درونی میان رشته‌های مختلف می‌انجامد، تأکید شود. زمینه‌ها و تسهیلات لازم برای آموزش و درک محتوای رشته‌های علوم انسانی مهیا گردد. همچنین در خصوص ایجاد و تقویت یک چشم‌انداز مثبت از علوم انسانی اقدام شود که آموزش و یادگیری موضوعات علوم انسانی از طرق مختلف را به یکی از لذت‌بخش‌ترین جنبه‌های زندگی هم برای یاددهندگان و هم برای یادگیرندگان مبدل می‌سازد.

از نظر پژوهشی هم مسئولان و سیاست‌گذاران آموزش عالی کشور باید نسبت به تقویت بنیه مالی پژوهش در این حوزه اهتمام از پژوهشگران جوان حمایت و علاوه بر توسعه تحصیلات تکمیلی گشایش دوره‌های فوق دکتري در اولویت قرار دهند. مضافاً اینکه نباید از گسترش تعامل بین محققین و پژوهشگران در این حوزه با جامعه و مشارکت آنان در مباحث اجتماعی غفلت ورزند. در این باره مک‌این‌تایر (۱۹۹۰) نیز همکاری و تعهد همه افراد، گروه‌ها، جوامع و مجامع ذی‌ربط را برای ارتقا سطح کمی و کیفی برنامه‌های علوم انسانی ضروری می‌داند. از طرف دیگر اثر ارزش‌گذاری فرهنگی و اجتماعی بر خانواده و انتخاب رشته‌های تحصیلی توسط دانش‌آموزان عامل مهم دیگر است. سیاست‌گذاری‌های حاکم بر نظام آموزش عالی کشور در جهت پیشبرد رشته‌های فنی و پزشکی است نه علوم انسانی.

در پایان لازم است یادآوری شود که نیل به اهداف آموزش عالی در گرو جذب و حفظ اعضای هیئت‌علمی و کارشناسان متخصص، خلاق، باانگیزه و علاقه‌مند و توجه به توسعه حرفه‌ای آنان و تقویت مهارت‌های حرفه‌ای اساتید از طریق اجرای دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی و تجدیدنظر در نقش استادان با توجه به انتظارات و تعاریف جدید از تدریس و یادگیری کیفی و همچنین ضرورت اعمال نوآوری‌های آموزشی در رسانه‌های آموزشی و راهبردهای نوین یادگیری و یاددهی؛ بازنگری شاخص‌ها و معیارهای علمی در پذیرش داوطلبان تحصیلات دانشگاهی و بازبینی در شرایط ورود به دانشگاه‌ها؛ مهندسی مجدد دوره‌ها و رشته‌های درسی مخصوصاً در علوم انسانی طوری که با وضعیت‌ها و نیازهای اجتماعی و اقتصادی جامعه همخوانی بیشتری داشته باشد. طبیعتاً ارزیابی

مستمر برنامه‌های درسی، بهره‌گیری از رویکردهای میان‌رشته‌ای در برنامه‌ریزی‌های درسی در علوم انسانی و ایجاد تغییرات لازم در آن‌ها متناسب با دستاوردهای نوین علمی تناسب، تازگی، چالش‌انگیزی و عمق علمی کافی در این حوزه علمی را بهبود خواهد بخشید؛ بهره‌گیری از ارزیابی یادگیری دانشجویان به‌منزله شاخص مهمی در ارزیابی درونی دانشگاه‌ها و در ارزشیابی اعضای هیئت علمی در کنار بررسی نظر دانشجویان در خصوص کیفیت عملکرد اساتید؛ و بهره‌گیری از راهبردهایی است که به‌طور مستمر به ارتقا و بهبود تمامی اجزا نظام آموزش عالی (دروندها، فرايندها و بروندها) با نگرشی کل‌گرایانه و سیستمی اهتمام دارد.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با وجودی که در دنیای امروز یکی از اهداف بسیار مهم آموزش و پرورش کمک به افراد است تا در جستجوی معنا و هدف برآیند، متأسفانه به دلیل تسلط و حاکمیت رویکردهای کمی و قابل‌اندازه‌گیری و از نظر مالی و اقتصادی سودمند، مقولاتی نظیر توسعه روحی دانشجویان، ارزش‌های ذاتی در علوم انسانی، اجتماعی، زبان‌ها، هنرهای زیبا، ادبیات و فلسفه، جذابیت یادگیری و تحقیق، به‌سادگی نادیده گرفته می‌شوند یا مورد غفلت واقع گردند و یا بسیار کم‌اهمیت ارزیابی شوند. اهمیت علوم انسانی و اجتماعی را در خصوص پتانسیل این علوم برای توسعه تحلیل‌های ادراکی ارزشمند و مهارت‌های ارتباطی که برای یک هویت بالغ و رشد یافته ضروری است، بایستی در برنامه‌های توسعه آموزش عالی مورد توجه قرار گیرد. علوم انسانی و اجتماعی از لحاظ سازمانی، قانونی و اقتصادی چارچوب‌هایی را تدارک می‌بینند که فهم ما را از مؤسسات اجتماعی، فرهنگی و پیامدهای اجتماعی تغییر و افزایش می‌دهد. از آنجاکه این علوم با تحلیل انتقادی ارزش‌ها و معانی سروکار دارند، درک نوآوری‌ها و تغییرات فناوری را در جامعه تسهیل می‌سازند.

علمای این حوزه به فرایند تفکر انتقادی که به شکل‌گیری بنیان‌های نظری علوم انسانی مدد می‌رساند، توجه نموده و درواقع آن را نوعی سرمایه‌گذاری در اندیشه و سوابق ادراکات بشر می‌دانند. به همین دلیل به دانشگاه‌ها توصیه می‌نمایند تا با دانشجویان همانند اشخاصی انسانی برخورد، احساس هدفمندی و معنا را در آنان ایجاد، به آن‌ها کمک کنند تا نقادانه بیندیشند و به آن‌ها مدد برسانند تا در تحولات اجتماعی به عوامل اخلاقی مسئولی مبدل گردند. نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که وضعیت و کیفیت فعلی آموزش عالی به‌طور اعم و کیفیت حوزه علوم انسانی به‌شدت متأثر از مجموعه عوامل و وضعیت محیط درونی و محیط بیرونی مراکز دانشگاهی است. این عوامل در هر دو سطح کلان و خرد قابل توجه هستند. به‌رغم تأکید رسالت‌ها و اهداف دانشگاه‌ها و مراکز عالی و پژوهشی کشور مبنی بر آموزش و تأمین دانش‌آموختگان و تحصیل‌کردگان مورد نیاز جامعه در بخش‌های مختلف، مشارکت در تولید علم و نوآوری و گسترش فنون و مهارت‌ها و ارتقای علمی و فرهنگی جامعه که در منشور ساختار نوین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تجلی یافته است، هنوز چالش‌های مهمی نظام آموزش عالی کشور را از نیل به اهداف راهبردی‌اش باز داشته است که ریشه بسیاری از آن‌ها را باید در خود سازمان، ساختار و سبک رهبری و مدیریت نظام آموزش عالی جستجو نمود.

عدم وجود درک و تلقی درستی از ماهیت و اعتبار حوزه علوم انسانی و نقش انکارناپذیر و حیاتی آن در مطالعه ریشه‌یابی و حل بحران‌ها و معضلات حاد اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه از یک سو و غیرمثبت خواندن و غیردقیق خواندن آن در مقایسه با حوزه محسوس، مادی و فیزیکی علم از سوی دیگر سبب شده است تا مسئولان نظام آموزش عالی به صورت بسیار نازلی با مقوله علوم انسانی در دانشگاه‌ها برخورد نمایند. در این مورد خاص ما بارها شاهد صدور مجوز برای ایجاد یک رشته در حوزه مذکور در شورای گسترش بوده‌ایم که در دانشگاه متقاضی فقط یک نفر هیئت علمی در رشته مورد نظر آن هم با مدرک کارشناسی ارشد حضور داشته است.

آموزش‌های مجازی در کشور ما به تازگی در حال استقرار است. پس پیشنهاد می‌گردد سازمان‌ها جهت استقرار آموزش‌های مجازی با توجه به این‌که هر روز نرم‌افزارها و امکانات جدیدی با قابلیت‌های زیاد ارائه می‌شود و از طرفی با کاهش قیمت آن‌ها مواجه هستیم برای سرمایه‌گذاری در این زمینه پس از فرهنگ‌سازی لازم، با دقت و احتیاط و کار کارشناسی نسبت به خرید تجهیزات گران قیمت اقدام نمایند. در این خصوص شایسته است وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و فناوری اطلاعات، ستاد مشترکی را تشکیل داده و از جنبه‌های نرم‌افزاری، مغزافزاری و سخت‌افزاری این موضوع را مورد بررسی و مطالعه همه‌جانبه قرار دهند. بررسی تجربیات کشورهای پیشرفته همراه با مطالعه دلایل شکست برخی از پروژه‌های آموزش مجازی در ایران می‌تواند مبنای تدوین راهنمای علمی مناسبی گردد که یقیناً با برخورداری از پشتیبانی تئوریک قوی، بودجه سال‌های آتی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و تحقیقاتی قابل پیش‌بینی و تصویب خواهد بود.

اهمیت آموزش در چرخه مدیریت کیفیت جامع از طرفی و نقش فناوری در رویکرد جدید به توسعه آموزش مجازی به عنوان ره‌آورد تکنولوژی اطلاعات در کشور می‌تواند دانشگاه و صنعت و نتیجتاً روند بهسازی و توسعه نیروی انسانی و بهبود کیفیت را متحول سازد. این پدیده به عنوان یک فناوری مدرن نیاز به آشنایی، بومی کردن و به کارگیری مؤثر آن در کشور دارد. مرزگستری سازمان‌ها و حرکت به سوی مجازی شدن راه را برای استقرار آن فراهم می‌کند. استقرار آموزش مجازی نیازمند در اختیار داشتن نیروی انسان متخصص و آشنا به این فناوری، مدیریت کارآمد، سیستم و امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری برای تبدیل محتوا به درس‌افزار و غیره می‌باشد. روند توسعه سازمان‌ها در کشور و مزایایی که مترتب بر استقرار آموزش مجازی از جمله کاهش هزینه‌های آموزشی، بهبود عملکرد و بهره‌وری بیشتر، تسریع در دسترسی به بازار، تسهیل جذب و به کارگیری نیروی انسانی مورد نظر و فراهم آوردن فرصت به روزآوری دانش و غیره پذیرش و توسعه این تکنولوژی را غیرقابل اجتناب می‌کند.

۱۶. منابع

- [۱] نادر قلی قورچیان، پریوش جعفری، بررسی دانشگاه‌های مجازی، اقتصاد مدیریت، ۱۳۸۲، تهران.
- [۲] کامران فیضی، مسائل و راهکارهای تشکیل دانشگاه‌های اینترنتی در ایران، مطالعات مدیریت، ۱۳۸۲، تهران.

- [۳] غلامحسین زمانی، شهرام مقدسی، آموزش از راه دور رهیافتی بدیل در نظام آموزش کارکنان، دانش مدیریت، ۱۳۷۷، تهران.
- [۴] رحمان سرشت، حسین، ۱۳۸۲، رؤس برنامه تحول در علوم انسانی و اجتماعی ایران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.
- [۵] صبوری، علی‌اکبر، ۱۳۸۱، بررسی کارنامه پژوهشی ایران در سال ۲۰۰۲، رهیافت، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۸۱، ص. ۸۷ تا ۹۵.
- [۶] عزیزی، نعمت‌اله، ۱۳۸۴، بررسی نقش و جایگاه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه اقتصادی: نگاهی به تجارب کشورهای توسعه‌یافته، همایش ملی جایگاه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، دانشگاه مازندران، ۲۵-۲۴.
- [۷] عزیزی، نعمت‌اله، ۱۳۸۳، اشتغال و آموزش عالی: راه‌های پیوند آموزش عالی با نیازهای بازار کار، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی سال دهم (شماره اول و دوم)، شماره پیاپی ۲۰ و ۳۱، بهار و تابستان.
- [۸] عزیزی، نعمت‌اله، ۱۳۷۸، تحقیقی پیرامون برنامه‌های مرتبط به اشتغال: بررسی رابطه آموزش و اشتغال در ایران، مجله علمی و پژوهشی دانشگاه کردستان، سال دوم شماره دوم، ص ۳۲-۱۴.
- [۹] کدیور، محسن، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۲، مصاحبه با ژیلای بنی‌یعقوب، روزنامه یاس نو، لهسایی زاده، عبدالعلی، ۱۳۷۶، موانع پژوهش در علوم اجتماعی در ایران، مجموعه مقالات نخستین سمینار آموزش عالی در ایران، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ص. ۶۳۶-۶۲۱.
- [۱۰] محمدمهدی رشیدی، آموزش ONLINE سومین کنفرانس مدیران کیفیت، موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، ۱۳۸۱، تهران.
- [۱۱] مشاوران یونسکو، ۱۳۶۹، فرآیند برنامه‌ریزی آموزشی. ترجمه فریده مشایخ، تهران: انتشارات مدرسه، وزیری، مزده، ۱۳۷۸، نظام برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی ایران ویژگی‌ها و جهت‌گیری‌ها، پایان‌نامه دکتری دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، ۲۲۲۱۷۶، علوم تربیتی.
- [۱۲] یمنی دوزی سرخابی، محمد، ۱۳۸۰، درآمدی به بررسی عملکرد سیستم‌های دانشگاهی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

[13] Armstrong, M. (1995), "Naturalism, Materialism, and First Philosophy", In: P. K. Moser & J. D. Trout (eds.), Contemporary Materialism, London: Routledge.

[14] Carnap, R. (1936), Philosophy of Science: Testability and Meaning, The University of Chicago Press, (Chicago journals), Vol. 3, No. 4.